

ذره‌بین

بخشش یک اعدامی پس از ۱۰ سال

یک قاتل در اصفهان در حالی که منتظر اجرای حکم اعدام بود،پس از ۱۰سال از مجازات مرگ‌رهایی یافت. این قاتل سه بار برای اجرای حکم اعدام پای چوبه دار رفته بود.سیدمحمد موسویان، رئیس شوراهای حل اختلاف استان اصفهان درباره جزئیات این پرونده گفت: «پرونده قتل عمدی که در سال۱۳۸۸ اتفاق افتاده بود و قاتل جوان در انتظار قصاص و اجرای حکم اعدام در زندان به سر می‌برد، برای صلح و سازش به شعبه۴۳ شورای حل اختلاف اصفهان ارجاع شد.قاتل از سال۱۳۹۱تاکنون در زندان و درانتظار اجرای حکم اعدام به‌سر می‌برد.وسه مرتبه برای اجرای حکم اعدام به پای چوبه دار رفته بود که با وساطت کارکنان شورای حل اختلاف برای صلح و سازش اجرای حکم به تأخیر افتاد.»رئیس شوراهای حل اختلاف استان اصفهان ادامه داد:«در نهایت با پیگیری‌های مستمر و مداوم شورای حل اختلاف شعبه ۴۳ اصفهان خانواده مقتول از قصاص قاتل گذشت کردند.قاتل از زندان آزاد شد.»

انفجار منزل مسکونی در بیرجند

انفجار یک واحد مسکونی در خیابان غفاری بیرجند حادثه ساز شد.چهار نفر راهی بیمارستان کرد.علی حسینی،مدیرعامل سازمان آتش نشانی شهرداری بیرجند درباره جزئیات این حادثه گفت: «حوالی ساعت ۱۱و۲۳ دقیقه صبح سه شنبه تماسی مبنی بر وقوع انفجار در خیابان غفاری بیرجند به سازمان آتش نشانی اعلام شد.»او بابیان اینکه پس از تماس بلافاصله تیم‌های امدادی و عملیاتی ساعت ۱۱و۲۶ دقیقه به محل حادثه اعزام شدند.ببیان داشت: «دو تیم عملیاتی اطفای حریق از ایستگاه‌های آتش نشانی غفاری و میدان امام خمینی(ره) به محل حادثه اعزام شدند.»مدیرعامل سازمان آتش نشانی شهرداری بیرجند با اشاره به خسارات وارد شده در این حادثه مطرح کرد: «متأسفانه در این حادثه چهار نفر مصدوم و به مرکز درمانی منتقل شدند.» حسینی به علت وقوع این حادثه اشاره و اعلام کرد: «علت وقوع این انفجار، سوخت‌گیری نایلم گاز مایع برای خودرو در منزل مسکونی بود‌است.»

موبایل قاپی در مرخصی کرونایی

[شهروند] موبایل قاپ حرفه‌ای با محکومیت ۲۴سال در مرخصی کرونایی دست به ۲سرقت زد. در پی وقوع چندین موبایل قاپی در سطح کلانتری ۱۹۰ مجیدیه، موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارشناسان و مأموران کلانتری ۱۹۰ مجیدیه قرار گرفت.مأموران با تشکیل تیمی از اینکه او را به گوشه‌ای پرتاب می‌کنند، از روی جدول حاشیه خیابان وارد پیاده‌رو می‌شود و در نهایت یک درخت تنومند آن را متوقف می‌کند

بودند،سرقت کرده‌است.

مأموران در ادامه تحقیقات به محل‌هایی که سرقت‌ها انجام شده بود مجددمراجعه کردندودر حال به دست آوردن اطلاعات دقیق‌تر از متهم بودند که با سروصدای شهروندان مواجه شدند و به سرعت برای بررسی موضوع به محل تجمع مردم مراجعه کردند.اظهارات اولیه حاضران حاکی از این بود که راکب موتورسیکلت قصد سرقت گوشی زن ۳۵ساله‌ای را که در حال مکالمه با تلفن همراهش بود، داشت که به دلیل از دست دادن متعادل موتورسیکلت که زمین برخورد کرد،سارق که خود را در محاصره مردم دید با استفاده از سلاح سردی که همراه داشت، سعی کرد مقاومت کند و از محل متواری شود، اما واحد گشت کلانتری با حضور به موقع در محل او را خلع سلاح و دستگیر کرد.در تحقیقات پلیسی متهم ۳۲ ساله به ۲۰ موبایل قاپی اقرار کرد و گفت که بیش از ۱۰ بار به زندان رفته است؛ پنج سال پیش به دلیل ۴۵ سرقت و حمل مواد مخدر به ۲۴سال حبس محکوم شده و در زندان به سر می‌برده است، ولی یک‌ماه پیش به علت شیوع کرونا با سپردن وثیقه به مرخصی رفت و در این مدت به سرقت‌های خود ادامه داد. سرهنگ علی اصغرخانی، رئیس کلانتری ۱۹۰ مجیدیه با بیان اینکه تحقیق درباره کشف جزئیات پرونده و شناسایی مالباختگان ادامه دارد و متهم به مرجع قضائی معرفی شده است، به شهروندان توصیه کرد: «حتی المقدور زمانی که در حال مکالمه هستند گوشی را سمت دیوار بگیرند یا از هندزفری استفاده کنند و حواس‌شان به اطراف خود باشد.»



شهروند

اهدای اعضای جوان ۲۲ساله خرقانی در بیمارستان سینای تهران جان چند بیمار را نجات داد

بخشش بزرگ «محمدرضا»

[شهروند] جوان ۲۲ساله‌ای با مرگش جان چند بیمار را نجات داد. همان زنان و مردان و کودکانی که هرکدام ماه‌ها بود در صف پیوند انتظار می‌کشیدند و با مرگ دست وپنجه نرم می‌کردند، اما اعضای بدن محمدرضا ۲۲ساله منجی آنها شد. محمدرضا همین چند هفته پیش در یک تصادف دچار ضایعه مغزی شد. او در راه بازگشت به خانه بود که یک پراید با سرعت زیاد به او برخورد کرد. بدن نحیف محمدرضا از شدت این تصادف در چند قسمت دچار شکستگی شد، اما آنچه که حال او را وخیم کرد، ضربه محکمی بود که به سر او وارد شده بود. همین هم کار را برای ادامه درمان او سخت کرد، تا جایی که پزشکان پس از چند روز تلاش برای زنده نگه‌داشتن محمدرضا به صفر خانواده او گفتند که شنس بازگشت به زندگی این پسر جوان تقریباً به صفر رسیده و تنها کاری که می‌شود انجام داد، اهدای اعضای بدن او به بیماران نیازمند است. کاری که البته نیاز به رضایت پدر و مادر او داشت. والدین این جوان با اینکه در غم از دست دادن تنها پسرشان در شوک بزرگی بودند، اما بزرگوارانه با اعطای اعضای بدن محمدرضا موافقت کردند.

خانواده محمدرضا سال‌هاست که در خرقان زندگی می‌کنند. منطقه‌ای خوش آب و هوا در شمال شاهرود. خانواده آجدانی نسل در نسل در همین منطقه به باغداری و کشاورزی مشغول هستند. اما در سال‌های اخیر پدر محمدرضا مجبور شد برای گذران زندگی کارگری کند. خودش می‌گوید نزدیک ۳۰سال است که سرساختمان کاری می‌کند، مخصوصاً در فصولی از سال که کار کشاورزی و باغداری سبک‌تر است. محمدرضا هم از وقتی خودش راشناخت، کنار پدر کار می‌کرد: «پسرم درسش خوب بود اما به خاطر اینکه کمک حال من باشد، تا کلاس سوم دبیرستان بیشتر درس نخواند.» در واقع تک‌پسر خانواده آجدانی از ۱۷سالگی کارگری کرد. چندماه‌ی وردست‌سنگ‌کار و گچ‌کار به ساختمان‌های نیمه‌کاره می‌رفت، اما بعد یکی از دوستانش به او گفت که کوره آجرپزی در شاهرود، نیاز به سرکارگر دارد. محمدرضا وقتی به آنجا رفت و شرایط را دید، خوشش آمد و همانجا مشغول شد. آن‌طور که پدرش به «شهروند» می‌گوید، او آخر هفته‌ها از شاهرود به خرقان می‌آمد، چند روزی پیش آنها می‌ماند و بعد دوباره بازمی‌گشت.

اعتراف «زهره» به ۱۰۰ جیب‌بری در اتوبوس

[شهروند] جیب‌بر حرفه‌ای با ۱۰۰ سرقت در تهران دستگیر شد. این زن جوان با حضور در اتوبوس‌های بی‌آرتی به مردم نزدیک می‌شد و با هل دادن آنان، دست به سرقت سریالی می‌زد.

با افزایش پرونده‌های جیب‌بری در خطوط بی‌آرتی، کارآگاهان دایره مبارزه با سرقت‌های خاص پایگاه سوم پلیس آگاهی طرح مبارزه با جیب‌بری در محدوده خطوط اتوبوسرانی را اجرا کردند تا اینکه بازهم اسفندماه در ایستگاه بی‌آرتی پارک دانشجو به زن جوانی مظنون شدند. با دستگیری مظنون و بررسی‌های بیشتر، ۶گوشی موبایل کشف شد. متهم به نام زهره، ۳۵ساله برای بررسی‌های بیشتر به پلیس آگاهی انتقال یافت.

در تحقیقات پلیسی و استعلام‌های انجام‌شده مشخص شد که گوشه‌های کشف‌شده سرقتی است و مالباختگان پیشتر با مراجعه به پلیس آگاهی پرونده‌هایی با موضوع جیب‌بری تشکیل داده‌اند. همچنین در بررسی سوابق متهم مشخص شد او سابقه‌دار است و چندی پیش نیز با همین عنوان مجرمانه دستگیر شده است.در ادامه تحقیقات اولیه، زهره به ۱۰۰ جیب‌بری در خطوط بی‌آرتی در سطح شهر تهران اعتراف کرد و گفت: «به علت بیکاری از سه ماه پیش شروع به جیب‌بری در مکان‌های شلوغ کردم. اموال سرقتی را که بیشتر گوشی موبایل بود، در خیابان مولوی به افراد گذری می‌فروختم و پول به دست آمده را صرف زندگی ام می‌کردم.» سرهنگ قاسم دستخال، رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی، با بیان اینکه تا کنون ۴۶ تن از مالباختگان، زهره را به‌عنوان سارق اموال خود شناسایی کرده‌اند، گفت: «مالباختگان گفتند متهم را در روز حادثه در حالی که در نزدیکی آنان ایستاده و آنان را هل می‌داده است، مشاهده کرده‌اند. با تکمیل تحقیقات پلیسی، متهم با دستور بازپرس شعبه ششم داسراسی ناحیه ۳ تهران روانه زندان شد.»

او از شهروندان خواست در مکان‌های شلوغ از اموال و مدارک همراه‌شان بیشتر مراقبت کنند و مراقب افرادی که به بهانه‌های مختلف خود را به آنان نزدیک می‌کنند یا آنان را هل می‌دهند، باشند.

آن روز هم محمدرضا در راه بازگشت به شاهرود بود، که تصادف کرد: «شنبه بود. آخرین روز فروردین. او با من و مادرش خداحافظی کرد و رفت. اما چند دقیقه بعد یکی از دوستانش زنگ خانه ما را زد و گفت پسرم تصادف کرده.» ظاهراً آن پرابدی که با محمدرضا برخورد کرده، سرعت خیلی زیادی داشته، این ماشین پس از اینکه او را به گوشه‌ای پرتاب می‌کند، از روی جدول حاشیه خیابان وارد پیاده‌رو می‌شود و در نهایت یک درخت تنومند آن را متوقف می‌کند. او و راننس محمدرضا را خیلی سریع به شاهرود منتقل کرد. او بلافاصله در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شد. پزشکان تلاش کردند تا هوشیاری او را بالا نگه‌دارند، اما تلاش آنها فایده‌ای نداشت. مغزورم داشت و سطح هوشیاری محمدرضا هم مدام کمتر و کمتر می‌شد. چند روزی به همین منوال گذشت. پدرش می‌گوید هر شب تا صبح بالای سر پسرش بوده به امید آنکه چشمانش را باز کند و یک‌بار دیگر بتواند با او حرف بزند. اما واقعیت، مرگ مغزی محمدرضا بود. اندام‌های حیاتی بدن این جوان ۲۲ساله با دستگاه‌کاری می‌کرد و جدا کردن این دستگاه‌ها یعنی باز ایستادن تپش قلب او. توضیح این شرایط برای پدر و مادری که امید به زنده ماندن فرزندشان را دارند، کار راحتی نبود و چند روزی زمان برد. در نهایت اما آنها وقتی متوجه شدند که دیگر آرزوهای زیادشان نیست، رضایت‌نامه‌های اهدای عضو را امضا کردند. پدر محمدرضا می‌گوید: «۱۱دبهبشت همراه پسرم به تهران آمدم. در بیمارستان سینا جداسازی اعضا انجام شد و بعد هم با همان آمبولانس به شاهرود برگشتم و فردای آن روز پسرم را در قبرستان روستا دفن کردیم.» این پدر ۵۸ساله با اینکه هنوز صحبت کردن از محمدرضا برایش دشوار است و به سختی می‌تواند جلوی گریه‌اش را بگیرد اما از تصمیمی که خودش و همسرش درباره محمدرضا گرفته‌اند، راضی و خوشحال است: «پسرم آرزوهای زیادی داشت. وقتی در بیمارستان به ما گفتند که او واقعا زنده، خیلی ناراحت شدم، همه دنیا روی سرم خراب شد، اما بعد با خودم فکر کردم چرا اعضای بدن پسرم بی‌خود و بی‌جهت زیر خاک بیوسد. من دوست ندارم هیچ پدری مثل من داغ فرزندش را ببیند. به همین دلیل هم با همسرم تصمیم گرفتیم همه اعضای بدنش را اهدا کنیم.»

حمله ۲کارگر به کارگاه تولیدی

[شهروند] دو کارگر کارگاه تولیدی در فشافویه با مصدوم کردن سه شریک، اموال کارگاه را سرقت کردند. سارقان چشم یکی از شاکیان را چنان مجروح کردند که او مجبور به عمل جراحی شد. سیزدهم آذرماه شکواییه‌ای به دادخواهی سه نفر از شرکای کارگاهی در حوزه قضائی بخش فشافویه به پایگاه نهم پلیس آگاهی ارجاع شد. شاکیان که شرکای یک کارگاه تولیدی بودند و حال عمومی مساعدی نداشتند، در تحقیقات گفتند: «دو مرد ناشناس با پوشاندن صورت‌شان به طرز وحشیانه‌ای وارد کارگاه شدند و پس از ضرب و جرح ما، اموال کارگاه از جمله تلویزیون، دستگاه کارتخوان سیار، کیف مدارک، دریل، بخراری، پل نقد و خودرو پژو ۲۰۶ را سرقت کردند و از محل متواری شدند.»

این در حالی است که مصدومیت یکی از شاکیان به حدی بود که مجبور به عمل جراحی چشم شد. در تحقیقات پلیسی و اقدامات اطلاعاتی، کارآگاهان موفق شدند هویت سارقان زورگیر کارگاه را شناسایی کنند و دریابند که هر دو متهم از ارادل و اوباش جنوب شهر تهران هستند، بنابراین مخفیگاه متهمان در شهرستان رباط کریم شناسایی و مشخص شد هر دو متهم به‌صورت مجردي زندگی به محل اختفای آنان اعزام و موفق شدند در عملیاتی ضربتی اربدهبشت‌ماه به دست پلیس آگاهی آنان اعزام و موفق شدند در عملیاتی ضربتی هر دو متهم را دستگیر کنند. از مخفیگاه متهمان خودرو پژو ۲۰۶ سرقتی مالباختگان نیز کشف شد و آنان به پایگاه نهم انتقال یافتند.

هر دو متهم در بازجویی‌های پلیسی اعتراف کردند: «در گذشته به‌عنوان کارگر نزد شاکیان مشغول به کار بودیم، ولی مالباختگان پس از چند بار سرو صدا و هیاهویی که در کارگاه ایجاد کرده بودیم از محل کار اخراج‌مان کردند. ما نیز برای انتقام تصمیم به سرقت و مصدوم کردن شاکیان گرفتیم.» سرهنگ کارآگاه کریم یوسفوند، رئیس پایگاه نهم پلیس آگاهی پایتخت با اعلام این خبر گفت: «با توجه به اعتراف متهمان به جرم خود با دستور مرجع قضائی هر دو متهم روانه زندان شدند و خودرو کشف‌شده نیز به مالباختگان تحویل شد.»

مکت

قتل بانگیزه اختلافات قبیله‌ای در میناب

[شهروند] اختلافات قبیله‌ای در میناب به قتل منجر شد. این در حالی است که پلیس آگاهی میناب قاتل متواری را در کمتر از ۴۸ساعت شناسایی و دستگیر کرد.

محمد رستمی، فرمانده انتظامی شهرستان میناب درباره جزئیات این پرونده گفت: «در پی تماس تلفنی مرکز درمانی با فوریت‌های پلیسی مبنی بر نزاع و درگیری در یکی از روستاهای میناب بلافاصله مأموران به درمانگاه مراجعه کردند. در بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد فردی با سلاح سرد دو نفر را مجروح و یکی از آنان به علت شدت جراحات وارده فوت می‌کند و ضارب نیز متواری می‌شود. بنابراین پیگیری موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی این شهرستان قرار گرفت. مأموران با تلاش شبانه‌روزی و اقدامات فنی و اطلاعاتی همچنین به‌کارگیری شیوه‌های پلیسی در کمتر از ۴۸ساعت مخفیگاه قاتل متواری را در یکی از منطقه‌های کوهستانی صعب‌العبور بخش «در پهن» شهرستان شناسایی کردند.» این مسئول انتظامی ادامه داد: «کارآگاهان پلیس آگاهی با تشکیل اکیبی به محل اعزام شدند که متهم با محاصره محل اختفایش عرصه را بر خود تنگ دید و تسلیم مأموران شد و در بازجویی‌های فنی و تخصصی به‌قتل مقتول به‌انگیزه اختلافات قبیله‌ای اعتراف کرد.»

صاعقه در گرمی مغان یک قربانی گرفت

[شهروند] مرد شصت و پنج ساله‌ای در بخش موران گرمی مغان در اثر اصابت صاعقه جان باخت. این چوپان در حال گاوچرانی در مراتع روستای کلانسرای بخش موران گرمی مغان بود که دچار صاعقه شد. به گفته شاهدان عینی، چوپان بلافاصله پس از این حادثه نقش بر زمین شد.مسئول امدادونجات بخش موران گرمی مغان در این باره گفت: «این چوپان در اثر برخورد صاعقه دچار سوختگی و کبودی از ناحیه چپ بدن شده و به علت شدت برخورد صاعقه در دم جان باخت. گرمی مغان در شمال اردبیل و در جوار جمهوری آذربایجان قرار دارد. دشت‌ها و کوهپایه‌ها هنگام وقوع صاعقه بسیار خطرناک هستند و هنگام صاعقه نباید در ارتفاعات و مناطق باز قرار گرفت. پناه‌بردن به درختان در ارتفاع هنگام صاعقه خطرناک‌ترین اقدام است و اگر مردم هیچ‌سپرناهی برای مراقبت از خود ندارند، به‌کوتاه‌ترین درختی که در اطراف‌شان است پناه ببرند. در مواقع عذوبرق باید بدن را خشک نگه‌داشت و از اجسام فلزی دور شد و به آنها دست نزد.»

کلاهبرداری ۳ میلیاردی در فضای مجازی

[شهروند] پلیس سمنان فردی را که به راه‌اندازی سایتی ۳۰میلیارد ریال از کاربران فضای مجازی کلاهبرداری کرده بود، دستگیر کرد. سردار عبدالله حسنی، فرمانده انتظامی استان سمنان درباره جزئیات این پرونده گفت: «در پی رصد انجام‌شده درمورد فعالیت‌های سایبری یک سایت که از شهروندان کلاهبرداری می‌کرد، بیگیری موضوع در دستور رسیدگی کارشناسان و مأموران پلیس فتای شهرستان شاهرود قرار گرفت. پس از بررسی‌های انجام‌شده در نهایت هویت فردی که از همین طریق مبالغ هنگفتی به حساب او انتقال یافته بود، مشخص و پس از هماهنگی‌های لازم عملیات دستگیری او آغاز شد.» این مقام انتظامی با اعلام شناسایی محل سکونت متهم و دستگیری او ادامه داد: «در ادامه تحقیقات مشخص شد او تحت تأثیر سخنان یکی از دوستانش قرار گرفته و به بهانه کاریابی و دریافت مبالغی ماهانه این حساب را راه‌اندازی کرده است. متهم همچنین با اشاره به افتتاح حساب تحت همین عنوان برای خود، پدرو یکی از دوستانش در بازجویی‌ها مدعی شد که هر سه حساب پس از افتتاح در اختیار دوستانش قرار گرفته و در واقع او از این طریق اقدام به کلاهبرداری می‌کرده است.» او از دستگیری عامل اصلی این پرونده خبر داد و گفت: «با بررسی‌های دقیق و فنی صورت‌گرفته گردش مالی ۳ میلیاردی متهم در یک ماه کشف شد.» سردار «حسنی» از معرفی متهم به مرجع قضائی خبر داد و گفت: «مأموران پلیس فتا با رصد شبانه‌روزی و اشراف کامل بر آنچه در فضای مجازی می‌گذرد، با این‌گونه جرایم قاطعانه برخورد می‌کنند.» فرمانده انتظامی استان سمنان از عموم کاربران خواست برای تأمین امنیت‌شان در فضای مجازی، از هرگونه ورود به این قبیل سایت‌ها و ثبت‌نام در آن جدا خودداری کنند.»